نماز جمعه 17/3/92

بسم الله الرحمن الرحیم

خطبه اول

تفسیر نکات آخرین آیه از سوره مبارکه جمعه، « قل ما عند الله خیر من الهو و من التجاره »

در این جا دو نکته وجود دارد نکته اول اینکه در قانون ادبیات عرب یکی از ویژگی های بلاغت خلاصه گویی است. لذا آنجاییکه بتواند یک لفظی را با ضمیر ذکر کنند حتی الامکان با اسم ظاهر ذکر نمی کنند. به خاطر این که تلفظ به ضمیر عبارت را خلاصه تر می کند.

کلمه لهو و تجارت در اول آیه ذکر شده بود، و می توانست دوباره تکرار نشود، حتی می شود من را تکرار نکنند. در حالیکه هم لهو و تجارت تکرار شده است و هم من تکرار شده است.

این یک راز و یک نکته خاصی در این مسئله هست، گاهی از اوقات در آیات شریفه قرآن که مطلبی مرتبط با شان نزول این آیه عنوان می شود برای اینکه این مطلب ناظر بر یک قاعده کلی و یک آموزه عمومی موثر و خط ساز، در جریان زندگانی انسان ها باشد درعین حال در آیه برحسب آن فصاحت و بلاغت قرآنی بعضی نکته ها گنجانده می شود که ما صرف نظر از ارتباط قضیه با شان نزول آیه یک قاعده کلی و یک آموزه عام خط سازی هم استفاده کنیم. و دقیقا این دو مطلب در ارتباط با همین قضیه است.

شان نزول آیه این بود که پیغمبر در نماز جمعه مشغول خطبه خوانی بودند در وسط خطبه پیغمبر تبلی نواخته شد. کاروان دهلی کلبی، کاروان تجارتی شام به مدینه آمد، تا صدای تبل کاروان نواخته شد مرد و زن از مسجد بیرون ریختند، وسط خطبه پیغمبر اکرم، به یک روایت 12 نفر و در یک روایت 17 نفر باقیماندند. این آیه آنجا نازل شد، که وقتی مردم لهو و تجارت را ببینند ای پیغمبر تو را در حال خطبه خوانی تنها می گذارند، به اینها بگو آنچه در نزد خدا هست بهتر است از آن لهو و تجارتی که شما به دنبال آن رفتید. این ارتباط آیه با شان نزول.

اما در حقیقت یک قاعده کلی و نقطه آموزه عامی ذات مقدس پروردگار در این جمله بیان می کند. و آن این است که در عرصه زندگانی ما مراحلی پیش میآید عبودیت و بندگی خدا در تقابل با فعالیت معیشتی و یا پیگیری لذائذ و شهوات نفسانی قرار می گیرد. انسان از نظر استعداد و ظرفیت یک موجود محدودی است، نامحدودی نیست که هم بتواند در یک اوج کمال خدا را بندگی کند، عبودیت حق را انجام بدهد از تمام امکانات وجودی و استعداداتش در خط بندگی و عبادت ذات مقدس پروردگار استفاده کند و هم بتواند در یک برنامه خیلی کامل در ثروت اندوزی و افزون خواهی پول و لذت سعی و تلاش بکند. این هر دو با هم سازگار نیست. البته انسان به اندازه کفاف و عفاف استعدادش را در تحصیل معیشت می تواند مصرف کند و از جنبه محوری استعداد و توانمندیش برای عبادت خدا استفاده کند. اما در خط توسعه توان اقتصادی و سرمایه و پول، همه استعداد را به کار انداختن طبیعی است این استعداد در خط عبودیت و بندگی خدا به کار گرفته نمی شود.

قرآن می خواهد یک آموزه عامی را در ضمن این آیه در نکته لطیف تفسیری عنوان کند. منهما نگفت که فقط با آن لهو و تجارتی که در ارتباط با جریان دهلی کلبی هست ذهن تداعی کند. بعنوان یک اصل کلی ای پیغمبر به این مردم بگو: آن روزی که بنا شد ثروت افزایی فعالیت های اقتصادی توسعه در توانمندی پولی و مالی در خط مقابله عبودیت و بندگی خدا قرار بگیردو آن هنگامی که بنا شد شهوترانی هوسبازی نفسانیات و لذائذ نفسانی با بندگی خدا نسازد این آنچه در نزد خدا هست خیرش و نتیجه اش به مراتب بیشتر از آن نتیجه و ثمره ای است که در تجارت و در ثروت افزایی وجود دارد یا در لذائذ و شهوات نفسانی وجود دارد.

ما عند الله خیر من الهو و من التجاره

کلمه من در اینجا تکرار شده برای اینکه این لهو آن لهوی که دهلی کلبی اجرا می کرد بر تبل می نواخت برای اینکه مردم را برای قافله خودش جذب کند تنها آن لهو نیست لهو استدلالی در برابر تجارت یعنی دو جریان در تقابل بندگی خدا در رهگذر زندگی شما مردم قرار می گیرد یک جریان ثروت افزایی و افزایش بر توان مالی و همه فعالیت و استعداد را در خط توسعه مالی و ثروت و انباشته کردن دارایی به کار بردن. یک جهت دیگر زندگی انسان شهوترانی و لذائذ نفسانی بشود. برایش لذت نفسانی و شهوت اصالت پیدا کند.

این دو جریان در تقابل عبودیت و بندگی خدا قرار خواهد گرفت. اینجور نیست که همه جا دنبال پول رفتن پول افزایی ثروت افزایی روز و شب دنبال پول رفتن با بندگی خدا بسازد. یک استحکاکی پیش خواهد آمد. یا باید از بندگی خدا بگذری یا از پول صرف نظر کنی.

این جوری نیست که اگر یک آدم همه اش دنبال شهوترانی و لذائذ نفسانی و خوشگذرانی شد، این خوشگذرانیها با عبودیت خدا درست دربیاد یک جا استحکاک پیش میاد. آنجایی که استحکاک پیش بیاید شما دنبال کدام یک می روید؟ دنبال پول یا دنبال بندگی خدا؟

برادران خواهران روز مبعث است حساس ترین و پرفضیلت ترین ساعت ها و روزهای ماه مبارک رجب در محضر حجت بالغه الهی روی فرش امام هشتم ع در حال انجام فریضه الهی زانو زده اید. الآن اینجا رو به قبله نشستید در مشهد و محضر حجت و بالغه الهی امامی که زنده و مرده ندارد و برتمام احوال شما ناظر است و توان ارتباط با او هم برای شما هست. الآن یک محاسبه نفسانی داشته باشید. تا به امروز زندگیتان چه جوری گذشته است؟ تو عرصه زندگی شما پول جلو بوده است یا بندگی خدا؟ در جریان زندگی شما لذت بردن خوشگذرانی کردن این جلوتر بود هاست یا عبودیت پروردگار؟ و بعد از این چطور خواهید بود؟

قل ما عند الله خیر من الهو و من التجاره

این یک آموزه عمومی دارد می دهد در نماز جمعه. شما دنبال کدام می روید؟ کدام برای شما اصل است؟

یک آدم وقتی دلداده خدا شد وقتی عاشق خدا شد وقتی بنده خدا شد دیگه مهم نیست چه بخورد کجا بخوابد چه جور لذت ببره چه جور پول دربیارد. فقط آبرویش محفوظ باشد، معیشتش بگذرد، اولیات زندگیش تامین شود بس است بقیه وجودش مال خداست. آن وقت عبدالله است بنده خداست.

این دو تا ثمره را با هم مقایسه کنید. نتیجه اش چیست؟ نتیجه ثروت و شهوت یک ثمره خیالی است، یک نتیجه پنداری است ملیاردها پول رو هم انباشته بشود، مگر انسان ظهر چقدر نهار می خوریم؟ اگر همه امکانات لذائذ نفسانی را در زندگانی خود حاضر کنید مگر تمام ظرفیت وجود شما برای شهوت را نی چقدر است بقیه اش خیالات است.

اما ما عند الله خیر

آنچه در نتیجه نماز شماست در عبادت شماست آنچه در ماحصل دلدادگی شما به درگاه خداست آنی که میوه تضرع و زاری و مناجات نیمه شب ماه رجب درخانه خداهست یک چیز ماندنی است تا خدایی خدا در حال توسعه و افزایش است.

خب اگر انسان این را قبول دارد و برحسب همین نوع تفکر و همین خط زندگی آماده در نماز جمعه و زائر امام رضا شده است و اظهار دلدادگی می کند پس همه عمرش می شود همین.

بندگی خدا محور قرار بگیرد.

خطبه دوم

با تبریک بعثت پیغمبر را، سرآغاز پیغمبری پیامبر نیست. من پیغمبر بودم در حالیکه گل و لای آدم را می سرشتند. بعثت پیغمبر آغاز رسالت پیغمبر است و سرآغاز ماموریت پیامبر است. **" یا ایها المدثر قم فانذر "**

پیغمبر فرمان حرکت و فرمان قیام از جانب خدا گرفت. پیغمبر اکرم رسالت و محبوبیتش در امروز صبحگاهان آغاز شد. ماموریت نه برای مردم عرب و نه برای یک نقطه زمین، نه برای یک مقطع زمان، ماموریت تا قیامت برای همه انسانهای کره زمین.

در قرآن پنج آیه داریم که اعلام می کند رسالت پیامبر یک رسالت جهانی برای همه انسانهاست. می فرماید:

1. **و ما ارسلناک الا رحمه للعالمین. ما نفرستادیم تو را مگر برای همه جهانیان**
2. **آیه سوره مبارکه فرقان: لیکون للعالمین نذیرا، ای پیغمبر تو این قرآن را برایت نازل کردیم باری اینکه تو نذیر عالمین باشی اعلام کننده قرآن به همه جهانیان باشی**

در سه جای قرآن به طور انحصاری اعلام می کند قرآن برنامه همه عالمیان است.

1. **سوره ص آیه 87 ان هو الا ذکر اللعامین ، این قرآن برنامه همه جهانیان است**
2. **سوره قلم آیه 59 و هو الا ذکر اللعالمین ، این قرآن نیست مگر ذکر برای جهانیان**
3. **سوره تکبیر آیه 27 ان هو الا ذکر للعالمین، این قرآن نیست مگر برنامه برای همه جهانیان**

این پنج آیه دلالت می کند که رسالت پیغمبر اکرم یک رسالت جهانی است. یک سوال الآن پیش میاد که 1400 سال از پغمبر اکرم و این ماموریت میگذرد، امام پیغمبر اکرم هنوز جهانی نشده است.

موانع جهانی شدن اسلام از روزی که پیغمبر اکرم آمد تا امروز چه بود؟

سه مانع اصلی جهانی شدن اسلام داشت.

**انحراف رهبری از خط امامت؛** اگر رهبری جامعه در تداوم وحی قرار می گرفت اسلام در مدت کوتاهی جهانی میشد. ولی رهبری امت در تداوم وحی قرار نگرفت از خط امامت منحرف شد.

1. **حاکمیت عناصر فرصت طلب و کامروا و هوس باز قدرت خواه**، عناصر ناپاکی در راس امت اسلام قرار گرفتند که می خواستند درهمه کامروایی ها در همه هوسرانی ها از یک آزادی مطلق برخوردار باشند و همه حدود و شوون و سرنوشت امت اسلام را در استخدام مظالم خودشون دربیارند.

خب طبیعی است از توسعه معارف اسلام جلوگیری می کردند و نه تنها کمک هم نمی کردند. چون آشنایی مردم با معارف دین اول اثرش پیشگیری از کامروایی ها و ظالم و جنایات آنها بود.

1. **مشبه نشان دادن اسلام.** مکتب اسلام را به مردم دنیا وارونه نشان دادیم و امروز هم دشمنان اسلام در روی کره زمین تمام همتشان این است که مردم دنیا واقعیت اسلام را نفهمند. برای پیشگیری از اسلام گرایی مردم درصدد این هستند که اسلام را مشبه نمایش بدهند.

این که آمریکا می آید مزدور وهابی استخدام می کند تا با خشونت های غیر انسانی در دنیا آن را به عنوان نماد اسلام معرفی کند برای اینکه مشبه جلوه کند و مردم از اسلام متنفر بشوند. این مشبه نشان دادن اسلام ابزاری است که امروز دشمنان اسلام در قالب جریان نجس العین مزدور وهابیت اجرا می کنند.

این سه چیز مانع جهانی شدن اسلام شد. در طول تاریخ بعد از غیبت امام زمان عج اول حرکتی که دراحیاء اسلام و در خط جهانی شدن اسلام اول قدمی که برداشته شد در این انقلاب اسلامی ما به وسیله امام بزرگوار قهرمان ساز ما بود.

" امام بزرگوار مجدد اسلام است. اسلام زندانی شده در حسینیه ها اسلام حبس شده در لابه لای کتاب ها، اسلام محدود شده در چهاردیواری مسجد و مراسم این اسلام را آورد به عنوان یک قدرت استکبار ستیزی که برهم زننده تمام معادلات استکباری در دنیا است ، این اسلام را به دنیا نمایش داد. "

برادران و خواهران تمام دشمنی دنیا با ما سر این قضیه است که ما اسلام را در گوشه مساجد درآوردیم در راس معادلات سیاسی جهان برهم زننده همه معادلات استکباری قرار دادیم.

روزی در این منطقه خاورمیانه امریکا اراده کرد 80 میلیون مسلمان عرب در مقابل 2 میلیون یهود ذلیل صهیونیسم شکست خوردند و این دو میلیون یهودی ذلیل بر 80 میلیون مسلمان مسلط شدند به صرف اراده امریکا.

و امروز کار اسلام به جایی رسیده است که یک آقا سید راه افتاده است یک عده دنبالش تو همین منطقه اسراییل که امروز مجهز به همه امکانات سلاحی و تجهیزات نظامی و نیروی قوی هست خاک نشین و مستاصلش کرده است.

امریکا اروپا مرتجعین منطقه مزدوران استکباری منطقه همه دست به دست هم می دهند یک مهره مقاومت در مقابل اسرائیل « سوریه » را به خاک بنشانند. آن هم با شقی ترین و ناپاک ترین و قصی ترین مزدورهای آدم کش وهابی مه استخدام کرده اند دو سال مرد و زن سوریه را به خاک و خون می کشند و بعد از دو سال چون رهبر قهرمان ساز این انقلاب اراده کرده این مهره مقاومت سرپا بایستد، مخالفین سوریه با همه قدرت شکست می خورند.

**با این عزت با این قدرت سی و پنج ساله بوی عطر جهانی شدن اسلام بوسیله آخرین منجی بشریت بقیه الله به شامه مردم جهان می رسد.** پیغمبر آن روز به رسالت مبعوث شد آن روز گفته شد: ان هو الا ذکر اللعالمین امروز دنیا دارد لمس می کند معنای و ما ارسلناک الا رحمه الالعالمین چیه؟ امروز دارد تحقق پیدا می کند. در پرتو این انقلاب.

برادران خواهران یک هفته دیگه توی انتخابات شما می خواهید اسلام این پیغمبر را در اجرا به دست چه کسی بدهید. برای مرتبه دوم بنده از برنامه مدبرانه صدا و سیما در شفاف سازی وضعیت نامزدهای ریاست جمهوری تشکر می کنم.

همه چیز شفاف شده همه را شناختید، شما یک هفته دیگه می خواهید بروید پای صندوق رای، می خواهید کنار بکشید؟! سرنوشت پیغمبر را ول کنید؟ در مقابل سرنوشت رسول الله بی تفاوت بروید یک طرف بایستید؟ یا می خواهید بایید تو عرصه؟

نمازگزاران و مومنین و مومناتی که در روز مبعث در نماز جمعه شرکت کردید این اسلام پیغمبر را به دست چه کسی می خواهید بسپارید؟ چهره ها شفاف شده، آیا می خواهید اسلام پیغمبر را دست کسانی بسپارید که از مطرب و تار و تنبور دارند حمایت می کنند؟ یا اسلام را به دست کسانی بسپارید که به دینشان و اعتقادشان و ایمانشان ایمان دارید. سرنوشت جهانی شدن دین پیغمبر دست شماست. مساله مساله کوچکی نیست انتخابات یک هفته دیگر یک عرصه عظیم امتحانی است برای همه شما مرد و زن مکلف است. صراط قیامت است، لبه تیز شمشیر است، یک طرفش شرکت نکنید جهنمی قطعی هستید. چون بی تفاوت در رابطه با سرنوشت پیغمبر هستید. **شرکت بکنید نسنجیده ارزیابی نکرده غم شکم و زندگی و پول و معیشتت را داشته باشید** به دست کسی بسپارید اسلام پیغمبر را و بعد خائن به پیغمبر دربیاید باز هم مسئول هستید.

این امتحان همه شماست. مساله حیاتی زندگی ماست مساله کوچکی نیست. اگر بنا شد در این کشور حماسه سیاسی به فرمان مقام معظم رهبری در یک موج عظیم صورت نگیرد، دنیا غربت پیغمبر و اسلام را ارزیابی می کند.

و اگر بنا شد یک حماسه عظیم سیاسی صورت بگیرد و خدای نکرده اسلام ما به دست نا اهل سپرده به شود اولین خصم ما در خانه خدا آن امام عزیز و قهرمانی است که در وصیت نامه اش نوشت مردم نگذارید این انقلاب دست نا اهلان بیافتد.

و انشاءالله امیدواریم به برکت بعثت پیغمبر آن روز برای ما یک امتحان پیروزی قرار بگیرد و همه ما روسفید پیغمبر باشیم. کما این که تا این 35 سال شما مردم در خانه پیغمبر رو سفید بودید.